

فلسفه و علت تشویق به عزاداری در سیره معصومین علیهم‌السلام

روح اله زینالی^۱

چکیده

دانستن «علت» یک چیز، و «سؤال» کردن و «فهمیدن» عمق آن، سبب افزایش اشتیاق انسان می‌شود. و با عشق، علاقه و اعتقاد کامل، قدم به میدان عمل می‌گذارد. گریه بر امام حسین علیه‌السلام «ریشه» در «اعتقادات» شیعه، و نیز «احساسات» و «عواطف» شیعیان و غیر شیعیان دارد. و اینجاست که نکته «مهم» و «اساسی» تشویق اهل بیت علیهم‌السلام به گریه و عزاداری فهمیده می‌شود و آن اصل و ریشه، «سؤال» از «چرایی» گریه بر امام حسین علیه‌السلام است که رهنمون انسانها به خیر و صلاح خواهد بود.

ما در این نوشتار در پی آن هستیم تا با تکیه بر روایات اهل بیت علیهم‌السلام، «فلسفه» و «علت» تشویق اهل بیت علیهم‌السلام به «عزاداری» را بررسی کنیم. و این موضوع را با روایاتی در مورد فضیلت گریه برای امام حسین علیه‌السلام و واژه شناسی کلمات «عبرة» و «قتیل»، و «علل» تشویق ائمه علیهم‌السلام را دنبال کردیم.

کلیدواژگان: امام حسین علیه‌السلام، سیره معصومین علیهم‌السلام، فلسفه گریه، چرایی عزاداری.

نوع «بشر» از لحاظ فکری «جستجو» گرو «پرسش» گراست و همیشه در پی «دانستن» و «یافتن» علل و چرایی اتفاقات محیط اطراف خویش هست. و این خصیصه در بشر از نعمات ویژه خداوند متعال است تا به کلید دانایی و فهم و شعور یعنی «سؤال» دست یابد. در این میان موضوعات روحی، روانی و معنوی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است زیرا مسائل دنیوی و علمی با کمی تحقیق و تفحص به دست آمدنی هست ولی مسائل روحی، روانی و معنوی نیاز به «تفحص» بیشتر و «یاری» طلبی از «متخصصین» این فن یعنی «اهل بیت علیهم‌السلام» دارد.

چراکه یاد گرفتن این علوم، از غیر اهل فن، «مضرات» و «انحرافات» خاص خودش را خواهد داشت بر همین مبناست که خدای متعال می‌فرماید:

«وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»
(نحل، ۴۳)

و پیش از تو [پیامبری] نفرستادیم مگر مردانی را، که به آنان وحی می‌نمودیم. اگر نمی‌دانید از دانیان [به کتاب‌های آسمانی و آگاهان به اخبار پیشینیان] پرسید.

آیه فوق، بیانگر اصل اساسی اسلامی، در تمام زمینه‌های زندگی مادی و معنوی است و به همه مسلمانان تأکید می‌کند آنچه را نمی‌دانند، از اهل اطلاعش بپرسند و پیش خود در مسائلی که آگاهی ندارند، دخالت نکنند.

به این ترتیب «مساله تخصص» نه تنها در زمینه مسائل اسلامی و دینی از سوی قرآن به رسمیت شناخته شده، بلکه در همه زمینه‌ها مورد قبول و تأکید است، و روی این حساب بر همه مسلمانان لازم است که در هر «عصر» و «زمان» افراد «آگاه» و «صاحب نظر» در همه زمینه‌ها داشته باشند که اگر کسانی مسائلی را نمی‌دانند، به آنها مراجعه کنند. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴: ۱۱: ۲۴۶)

در روایات متعددی که از طرق اهل بیت علیهم‌السلام وارد شده می‌خوانیم که اهل ذکرامان معصوم علیهم‌السلام هستند، از جمله در روایتی از امام علی بن موسی الرضا علیه‌السلام می‌خوانیم که در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود:



«نَحْنُ أَهْلُ الذِّكْرِ وَنَحْنُ الْمَسْئُولُونَ.»

ما اهل ذکرم، وازما باید سؤال شود. (کلینی، ۱۴۲۹، ۱، ۲۱۰).

حال فهمیدیم که باید بپرسیم!

وبه این نکته هم پی بردیم که باید از اهل «فن» یعنی اهل بیت علیهم السلام بپرسیم که آنان صاحب علم به ماکان و ما یکون هستند. وگریه و عزاداری بر سرور و سالار شهیدان و یاران باوفایش از جمله تأکیدات ائمه علیهم السلام است و دانستن چرایی و فلسفه عزاداری و تشکیل مجالس روضه برای آن حضرت مطمئناً «علم» آورو «معرفت» سازو «تکمیل» کننده معارف الهی و «ریشه» دهنده به اعتقادات دینی است.

در این مجال به چند روایت اشاره می‌کنیم و بحث را در مورد چرایی گریه بر امام حسین علیه السلام پیگیری کرده، و ان شاء الله از سفره پربرکت اهل بیت علیهم السلام، اندیشه و افکار خویش را آبیاری خواهیم کرد.
امام حسین علیه السلام فرمودند:

«أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ.» (ابن بابویه قمی، ۱۳۵۶: ۱۰۸)

«من، کشته‌ی اشکم.»

از امام صادق علیه السلام روایت شده که امیر مؤمنان علیه السلام، به حسین علیه السلام نگاه کرد و فرمود:

«يَا عَبْرَةَ كُلِّ مُؤْمِنٍ.» (همان)

«ای اشک هر مؤمن.»

در روایت دیگری از آن حضرت آمده است که امام حسین علیه السلام فرمودند:

«أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ، لَا يَذْكُرُنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا بَكَى.» (همان)

«من، کشته‌ی اشک هستم، هیچ مؤمنی مرا یاد نمی‌کند جز این که گریه کند.»

در تفسیر و تبیین این احادیث گفته شده که پس از کشته شدن عثمان، مردم به دستور دشمنان امام علی علیه السلام، مجالسی تشکیل می‌دادند و بر قتل عثمان می‌گریستند و دشمن بدین وسیله، بغض حضرت علی علیه السلام، را در دل آنان (که حضرت را نمی‌شناختند) زیاد می‌نمودند. این عمل، سبب به وجود آمدن آن همه بی‌احترامی‌ها و سرانجام کشته شدن

سید الشهدا علیه السلام گردید؛ لذا فرمود: «أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ.»

شاید شاهد براین احتمال، گفتاری است که دشمنان آن حضرت در روز عاشورا به زبان آورده و گفتند:

«يَلُّ نِقَاتُكَ بُغْضًا وَعِنَادًا مِمَّا لِأَبِيكَ وَمَا فَعَلَ بِأَشْيَاخِنَا يَوْمَ بَدْرٍ وَحَتِّينٍ.» (لبيب

بیضون، ۱۴۲۷: ۲: ۱۴۹)

«بلکه به خاطر کینه و دشمنی با پدرت و آن چه در روز بدر و حنین با پدران ما

انجام داد با تومی جنگیم.»

و نیز جمله‌ی معروف زیارت اربعین:

«الْسَّلَامُ عَلَى أَسِيرِ الْكُزْبَاتِ وَقَتِيلِ الْعَبْرَاتِ.» (طوسی، ۱۴۱۱: ۷۳۰)

«سلام بر اسیر ناراحتی‌های شدید و کشته‌ی اشک‌ها.»

و نیز در زیارت عرفه آمده است:

«الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَرِيحَ الْعَبْرَةِ السَّاكِبَةِ.» (ابن طاووس، ۱۴۰۹: ۳۳۳)

«سلام بر تو، ای افتاده و کشته‌ی اشک ریزان.»

واژه‌شناسی و معنا دانی کلمات «عَبْرَهُ» و «قَتِيلٌ».

در لغت برای واژه‌ی «عَبْرَةُ»، معانی گوناگونی ذکر شده است:

الف. اشک؛

ب. اشک حلقه زده در چشم، پیش از آن که بر صورت جاری شود؛

ج. ریزش اشک؛

د. سرازیر شدن اشک، بدون صدای گریه؛

ه. حبس شدن حالت گریه در سینه؛

و. حزن و ناراحتی بدون گریه. (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۲: ۱۳۰)

واژه‌ی «قَتِيلٌ» نیز در لغت، به معنای «مقتول» آمده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱)

(۸۴۵)



فضیلت گریستن بر امام حسین علیه السلام

در این مورد احادیث فراوان است ولی چند نمونه به عنوان مثال ذکر می شود:

امام باقر علیه السلام فرمودند: علی بن الحسین علیه السلام بارها می فرمودند:

«أَيُّا مُؤْمِنٍ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام دَمَعَةٌ حَتَّى تَسِيلَ عَلَى خَدَيْهِ، بَوَّأَهُ اللَّهُ فِيهَا فِي الْجَنَّةِ عُرفاً يَسْكُفُهَا أَحْقَاباً؛ وَأَيُّا مُؤْمِنٍ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ حَتَّى تَسِيلَ عَلَى خَدَيْهِ فِينَا لِأَذَى مَسَّنَا مِنْ عَدُوِّنَا فِي الدُّنْيَا، بَوَّأَهُ اللَّهُ فِيهَا فِي الْجَنَّةِ مُبَوَّأً صَدَقَ؛ وَأَيُّا مُؤْمِنٍ مَسَّهُ أَدَى فِينَا فَدَمَعَتْ عَيْنَاهُ حَتَّى تَسِيلَ عَلَى خَدَيْهِ مِنْ مَضَاصَةِ مَا أُودِيَ فِينَا، صَرَفَ اللَّهُ عَنْ وَجْهِهِ الْأَذَى وَآمَنَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ سَخَطِهِ وَالتَّارِ». (ابن قولویه قمی، ۱۳۵۶: ۱۰۰)

«هر مؤمنی که برای کشته شدن حسین بن علی علیه السلام قطره ای اشک بریزد، و بر گونه اش جاری گردد، خداوند او را در ساختمان های بلند منزل می دهد، تا روزگاران در آن جا زندگی کند؛ و هر مؤمنی، به خاطر اذیتی که در دنیا، از دشمنان ما به ما رسیده، از چشمانش اشک بریزد تا برگونه اش جاری شود، خداوند او را در بهشت، در جایگاه صدق منزل می دهد؛ و هر مؤمنی اذیتی در [راه] ما به او برسد، و از درد آن چشمانش اشک بریزد، تا برگونه اش جاری شود، خداوند در روز قیامت، رنج آن را از صورتش برمی گرداند، و از غضب خود و آتش، ایمن می گرداند.»

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند:

«نزد هر کس ما را یاد کنند، و از چشمانش اشک آید، گرچه به اندازه ی بال پشه ای [مگسی] باشد، گناهانش (اگر چه به اندازه ی کف دریا باشد). آمرزیده می شود.» (همان، ۱۰۳)

از مهمترین و زیباترین «تجلیات» محبت برای خدا، غمگین بودن در غم اهل بیت علیهم السلام است. و طبیعی است که وقتی غم دل برای محبوب شدت بگیرد، اشک چشم را جاری می سازد. (پژوهشکده باقرالعلوم ع، ۱۳۹۷: ۴۰)

با توجه به فضائل گریه در احادیث اهل بیت علیهم السلام و دانستن مفاهیم آن، روشن شد که

عزاداری امام حسین علیه السلام آثار، فواید و کارکردهای بسیار مهمی در زمینه های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دارد. بی گمان شناخت این کارکردها و آثار، سبب می شود تا آگاهی ژرف تری درباره چرایی عزاداری و گریه برای امام حسین علیه السلام پیدا کنیم. از این رودر ادامه مهمترین کارکردها و آثار عزاداری و گریه برای امام حسین علیه السلام، که همان «فلسفه» و «علل» تشویق به عزاداری است را معرفی و بررسی کنیم:

۱) ایجاد صفت رحمانی حق تعالی در دلها.

گریستن، یا برای به ظهور درآوردن صفت رحمت در طرف مقابل است (چنان که طفل با گریستن، مادر را به رحمت می خواند)؛ و یا منشأ گریه، صفت رحمت است که یکی از صفات بارز الهی است تا با اظهار آن، بقا و الفت اجتماع همواره برقرار باشد، بنابراین، صفت بارز رسولی هم که برای آنان فرستاده، رحمت قرار داده است، (سعادت پرور تهرانی، ۱۳۸۸: ۳۰۴) که فرمود:

«وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیا، ۱۰۷)

«وتورا جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم.»

ظلم و ستم و عصیان زمان های جاهلیت تا زمان حضرت سید الشهدا علیه السلام به اعلی درجه ی خود رسید، و صفت رحمت را به فراموشی سپرد، به گونه ای که ام کلثوم علیها السلام در خطبه خود فرمود:

«وَنُزِعَتِ الرَّحْمَةُ مِنْ قُلُوبِكُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۵: ۱۱۲)

«و رحمت، از دل های شما کنده شده است.»

حال، سید الشهدا علیه السلام با کلام «أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ.» می خواهد بفرماید: من کشته شدم تا این صفت، با گریانیدن و گریستن در مصایب من آشکار و در نتیجه، رحمت الهی، شامل حال امت شود. (سعادت پرور تهرانی، ۱۳۸۸: ۳۰۴)

شاهد بر این گفتار، سخنان امام صادق علیه السلام است که می فرماید:

«ستایش مخصوص خداوندی است که ما را با رحمت خود بر مخلوقات برتری داد و رحمت خود را مخصوص ما اهل بیت علیهم السلام گردانید ... و هیچ کس از روی

رحمتِ بر ما و بر آن چه به ما رسیده گریه نکند، مگر این که پیش از جاری شدن اشک از چشمش، خداوند او را شامل رحمت خود نماید. واگر يك قطره از اشک هایش در جهنم بیافتد، آتش آن را خاموش می‌کند، به حدی که گرمایی برای آن باقی نمی‌ماند.» (ابن قولویه قمی، ۱۳۵۶: ۱۰۲)

طبیعتاً جمع شدن گروهی برای عزاداری و گریه بر سرور و سالار شهیدان، که همه به «یک» نفرویک «هدف» گریه می‌کنند. ثمرات زیادی خواهد داشت. بویژه از لحاظ عاطفی، نزدیک شدن «دلها»، جوشش «محبت» ها و زنده شدن حس «نوع دوستی» و «انسان دوستی» در دلها را به وجود می‌آورد.

مثل، پیاده روی مشتاقان عزای امام حسین علیه السلام از «ادیان»، «زبان»، «لهجه»، «قومیت» ها، از کشورهای مختلف در اربعین امام حسین علیه السلام که انصافاً بهترین جلوه ایجاد محبت، جوشش عاطفه و نزدیک شدن دلها به همدیگر است.

۲) نشان دادن و عملی ساختن تولی و تبری

با سیرا جمالی در روایات وارده، درباره فضیلت گریه بر سیدالشهدا علیه السلام و زیارت مزار آن حضرت و به ویژه زیارت های آن بزرگوار، نشان می‌دهد که مقصود از همه آن ها و محور همگی، «تولی و تبری» است. البته این بدان معنی نیست که - العیاذ بالله - همه ی تشویق و ترغیب ها درباره ی سُنن وارده، نسبت به سیدالشهدا علیه السلام و آثار و نتایج دنیوی، اخروی و معنوی ای که برای آن ها شمرده اند، گفتار صرف و برخلاف واقع باشد؛ هرگز، بلکه تمام این نتایج، بر تولی و تبری مترتب است، به طوری که هر کس بهتر و ظریف تر و با استقامت تر انجام دهد، در دنیا و آخرت، و در ظاهر و باطن از آن آثار و نتایج، بهره مند تر و برخوردار تر خواهد بود. (سعادت پرور تهرانی، ۱۳۸۸: ۳۱۳)

عزادار و زائر امام حسین علیه السلام، در زیارت عاشورا این گونه «برائت» خویش را با زبان

معصوم را اعلام می‌دارد:

«وَأَبْرَهُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ مِمَّنْ آسَسَ آسَاسَ ذَلِكَ، وَبَنَى عَلَيْهِ بُنْيَانَهُ، وَجَرَى فِي ظُلْمِهِ وَجَوْرِهِ عَلَيْنَا، وَعَلَى أَشْيَاعِكُمْ، بَرَّئْتُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّيْكُم مِّنْهُمْ، وَأَتَقَرَّبُ إِلَى

اللّٰهُ، ثُمَّ إِلَيْكُمْ مِّمَّالَاتِكُمْ وَمُؤَالَاتِكُمْ وَلِيَّتِكُمْ، وَبِالْبِرَائَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَالتَّاصِبِينَ لَكُمْ الْحَرْبَ، وَبِالْبِرَائَةِ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَآتِبَاعِهِمْ.» (ابن قولویه قمی، ۱۳۵۶: ۱۷۷)

«و بیزاری میجویم بسوی خدا و بسوی رسولش از کسی که پی ریزی کرد شالوده این کار را و پایه گذاری کرد بر آن بنیانش را، و دنبال کرد ستم و ظلمش را بر شما و بر پیروان شما؛ بیزاری جویم بدرگاه خدا و به پیشگاه شما از ایشان، و تقرّب جویم بسوی خدا سپس به شما بوسیله دوستیتان و دوستی دوستان شما و به بیزاری از دشمنانتان و برپاکنندگان (و آتش افروزان) جنگ با شما و به بیزاری از یاران و پیروانشان.»

و در ادامه «تولی» و ارادت خویش را به ساحت قدسی امام حسین علیه السلام این گونه بیان می کند:

«أَتَى سَلْمٌ لِمَنْ سَأَلَكُمْ، وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ، وَ وَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاكُمْ، وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ.» (همان)

من در صلح و سازش با کسی که با شما در صلح است و در جنگ با کسی که با شما در جنگ است و دوستم با کسی که شما را دوست دارد و دشمنم با کسی که شما را دشمن دارد.

شرکت در مجلس روضه و شنیدن مظلومیت امام حسین علیه السلام، باعث جوشش «محبت»، و سرازیر شدن «اشک» به گونها؛ و شنیدن ظلم و جور «دشمنان»، سبب می شود حسّ «انتقام جویی» در دل عزادار بیشتر شود. در واقع گریه «مظهر» محبت و دوستی، و عزاداری و برسر و سینه زدن نشان دهنده، حرارت درون نسبت به اهل بیت علیهم السلام است که تا «انتقام» نگیرد آرام نمی شود.

۳) زنده نگاه داشتن نهضت عاشورا و پیام های آن.

عزاداری و گریه برای امام حسین علیه السلام در مهم ترین کارکرد خود، سبب شده است که همواره یاد، نام و پیام های نهضت عاشورا زنده و جاوید بماند و آموزه های آن به همه مردم انتقال یابد. از این طریق همه انسانها، اعم از مسلمان و غیر مسلمان، در طول تاریخ، با آموزه هایی چون «ستم ستیزی»، «آزادگی»، «شهادت طلبی»، «ایشان» و «حقیقت جویی»

آشنا شده‌اند. «موريس دوکبری» پژوهشگر غربی مینویسد: «اگر مورخین ما، حقیقت این روز را میدانستند و درک میکردند که عاشورا چه روزی است، این عزاداری را مجنونانه نمیپنداشتند. زیرا پیروان حسین علیه السلام به واسطه عزاداری، میدانند که پستی و زبردستی و استعمار را نباید قبول کنند، زیرا شعار پیشرو آقای آنان، تن به زیر بار ظلم و ستم ندادن است.» (هاشمی نژاد، ۱۳۸۲: ۴۵۱)

فرد عزادار با سوگمندی و گریه برای امام حسین علیه السلام آشکارا اعلام میکند که او نیز به «امام حسین علیه السلام» و «نهضت» و «آرمان هایش» وفادار است. و در میدان عمل نیز «وفاداری» خود را ثابت میکند. (پیشوایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲: ۳۲۷) از یاد نمیبریم. که در همین روزگار، برای پیروزی «انقلاب اسلامی» ایران و در هشت سال «دفاع مقدس»، مردان حسینی در میدان عمل چه خوش درخشیدند. به درستی که در مکتب عاشورا، گریه به سلاحی همیشه بزان برای حمله به ستمگران و پاسداری از خون شهیدان است. (محدثی، ۱۴۱۷: ۲۲)

۴) معرّفی الگوهای راستین و ایجاد پیوند عمیق عاطفی با آنان

عزاداران امام حسین علیه السلام، با شرکت در مراسم عزای آن حضرت و یاران با وفایش، با شخصیت و عظمت روحی آنان آشنا میشوند و آنان را انسانهای کاملی مییابند که دارای صفات پسندیده‌ای چون «صبر»، «وفا»، «استقامت» و «از خود گذشتگی» بوده‌اند که میتوانند برای همه انسانها اسوه باشند. مهمتر اینکه عزاداران به یاد مظلومیت و مصیبت ایشان، به سوگ مینشینند، میگریند، و بر سر و سینه میزنند، و از این طریق، معرفتشان را با پیوندی عاطفی، عمق و استحکام میبخشند. از این روست که نمیتوان مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام را با سمینار و همایش جایگزین کرد.

بر این اساس حضور عزاداران در مراسم عزای حسینی، به تقویت عواطف و شناخت آنان میانجامد، و سبب میشود آنان بکوشند در رفتارهایشان نیز شبیه به همان کسانی باشند که برایشان میگریند. هنگامی که عزاداران به یاد «وفاداری» ابوالفضل العباس علیه السلام یا «آزادگی» حرّبن یزید ریاحی اشک میریزند، ناخودآگاه خواهند کوشید تا «آزاد مرد» و «وفادار»، و از «نامردی» به دور باشند. (پیشوایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲: ۳۲۸)

۵) عزاداری، تعظیم شعائر الهی

«تعظیم» شعائر الهی، که سبب هدایت انسان به بندگی و طاعت و توحید میشود؛ از نظر قرآن ارزشمند بوده، و باید «زنده» نگه داشته شود تا بسان «چراغی» روشن، هدایتگر انسانها به سعادت و خیر باشد. و هر چیزی که بتواند انسانها را به خدا و فطرت الهیاش رهنمون باشد جزء شعائر الهی شمرده میشود.

«وجود» مبارک امام حسین علیه السلام و «عزاداری» در غم او، «سبب» هدایت انسانها به خیر و نیکی و فطرت الهی و حافظ دین مبین اسلام است لذا بهترین تعبیری که برای عزاداری حضرت میتوان به کاربرد، این است که بگوییم عزای او «تعظیم شعائر» الهی میباشد.

«ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظِمَ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ.» (حج، ۳۲)

این است (مناسک حج)؛ و هرکس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دلهاست.

«شَعَائِر» جمع «شَعِيرَه» به معنی علامت و نشانه است، بنابراین «شَعَائِرُ اللَّهِ» به معنی «نشانه‌های پروردگار» است که شامل سرفصلهای آئین الهی و برنامه‌های کلی میشود و آنچه در نخستین برخورد با این آئین، چشمگیر است، مناسک حج می باشد که انسان را به یاد خدا می اندازد. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴: ۱۴: ۹۷)

گرچه بدون شك «مناسک حج» از جمله شَعَائِرِ است که در این آیه مقصود بوده است، مخصوصاً مساله قربانی که در آیه «وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ...» و شترهای چاق و فربه را (در مراسم حج) برای شما از شعائر الهی قرار دادیم. (حج، ۳۶) صریحاً جزء شعائر محسوب گردیده جزء آن است ولی روشن است که با این حال عمومیت مفهوم آیه نسبت به تمام شعائر اسلامی به قوت خود باقی است و هیچگونه دلیلی بر تخصیص آن به خصوص قربانی یا همه مناسک حج وجود ندارد، بخصوص اینکه قرآن در مورد قربانی حج با ذکر کلمه «من» که برای «تبعیض» است این حقیقت را گوشزد کرده که قربانی یکی از آن شعائر است، همانگونه که در مورد «صفا و مروه» نیز سوره بقره می خوانیم که آن هم از «شعائر الهی» است. «إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ؛ قطعاً سعی بین صفا و مروه از شعائر خداوند متعال است.» (بقره، ۱۸۵)

(بنابراین) تمام آنچه در برنامه‌های دینی وارد شده و انسان را به یاد خدا و عظمت آئین اومی اندازد شعائر الهی است و بزرگداشت آن نشانه تقوای دلها است. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴: ۱۴: ۹۷)

بی شک، مجالس عزاداری امام حسین علیه السلام «مصدق» بارز «تعظیم شعائر» الهی است. چون در کنار تعزیه، عزاداران در پای منبر علمای اسلام نشسته و معارف دین و احکام الهی را یاد میگیرند.

۶) عزاداری، عامل زنده ماندن عواطف بشری

انسان مایل به «دوست» داشتن دیگران است و این دوست داشتن، تنها نیاز به «محبت» ورزیدن نیست بلکه به صورت نیاز به ملاقات با دیگران و برقراری بعضی انواع «ارتباط» بین خود و دیگران نیز هست، شاید وحشت و پریشانی که به فرد در وقت از دست دادن نزدیکان، دست میدهد و بیشتر از همه در مورد «اهل بیت علیهم السلام»، نمونه زنده ای از این وابستگی به دیگران باشد. (بستانی، ۱۳۹۲: ۲۲۶)

این عاطفه یکی از سائقه‌های انسانی را نشان میدهد که ارضای آن ضروری است. (همان) یکی از راه‌های ارضای عاطفی که نیاز قطعی انسان است ارتباط با اهل بیت علیهم السلام به عنوان پیامبر صلی الله علیه و آله یا امام در قالب «ولی الله» یا «ولایت» الهی است.

خداوند متعال به محضرگرمی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله چنین دستور می‌دهد که:

«قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» (شوری، ۲۳)

بگو: «من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم (اهل بیت)»

زمخشری و فخر رازی که از بزرگان اهل سنت هستند، در تفاسیر خود آورده‌اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيدًا» (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴: ۲۲۰)

هر که با دوستی آل محمد صلی الله علیه و آله از دنیا برود، شهید است.

سؤال: چرا خداوند متعال مزد رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله را دوستی و مودت اهل بیت علیهم السلام

قرارداد؟

ناگفته پیداست که خداوند متعال پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام را به جهت «هدایت» انسان «نصب» کرده است و تمام زحمات این بزرگواران نیز در این راستا بوده است. «عاطفه» و «محبت»، بهترین وسیله برای «جذب» و «جلب» دل انسان به سوی رأفت، نرمی، خشوع و خضوع در برابر اوامر الهی با زبان پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیتش می باشد. خالق مهر و محبت، به این واسطه می خواهد ریشه محبت و عاطفه در دل انسان «زنده» بماند، چون «نبود» عاطفه و یا از دست دادن آن، عواقب خطرناکی را در پی خواهد داشت که کمترین آن از بین رفتن ریشه «انسانیت» از وجود انسان است. محبت به اهل بیت علیهم السلام، نشان «سلامت» روحی، روانی و پاک و «حلال» بودن وجود و روح انسان است. کسی که به محضر اهل بیت علیهم السلام محبت دارد این مژده را دریافت می کند که از هر نظر سالم است.

مهمترین که حضور در روضه اباعبدالله الحسین علیه السلام «جوشش» محبت ها، تحریک احساسات انسانی، ریخته شدن اشک رأفت و مهربانی، همدردی و رحمت دل را به دنبال دارد. و «تکرار» همه ساله عزای آن حضرت، به این منظور است که دل های خفته بیدار، و قساوت دل های سخت، به نرمی و رئوف بودن تبدیل شود چون کارهای روزمره و اتفاقات زندگی عادی، دست به دست هم داده، بعضی مواقع دل انسان را به سختی و قساوت دچار می کند که عواقب بدی را در پی دارد.

و درمان «زود» هنگام، و «قطعی» و زود «جواب ده»، اشک ریختن در مصیبت شهدای دشت کربلا، بویژه سرور و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام است. آری! اشک بر مظلومیت حسین علیه السلام، «ضامن» زنده ماندن و پویایی عواطف درونی عزاداران حسینی است.

۷) نجات دادن انسان ها از گمراهی و جهالت.

«خلاق» علیم موجودی به نام «انسان» را آفرید. و خلقت انسان، آن قدر جالب و با عظمت بود که ذات اقدس إله متعال به خودش تبریک گفته و فرمود:

«فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون، ۱۴)

پس بزرگ است خدایی که بهترین آفرینندگان است! «؟؟؟»

باید چنین خَلْقی، به مراحل رشد و کمال برسد تا «ارزش» واقعی او ظهور و بروز کند و الا چه فرقی با حیوان بی عقل خواهد داشت.

لذا خداوند متعال کتب آسمانی و انبیا و اوصیا علیهم السلام را به عنوان «هدایتگرانی» برای تحقّق این هدف آفرید. «وجود»، «روح»، «گفتار»، «کردار»، «تقریر» و «یاد» امام عامل هدایت بشر به سوی خیر و نیکی است. و عزاداری در مصیبت ائمه علیهم السلام مصداق بارز و روشن یاد امام علیه السلام است که در هدایتگری نقش به سزایی دارد. و خداوند متعال این مهم را این گونه بیان میکند:

«وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (رعد، ۷)

و برای هر گروهی هدایت کننده‌ای است.

فخر رازی از علمای اهل سنت در تفسیرش از ابن عباس چنین نقل میکند که یک نفر از پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد آیه فوق پرسید و حضرت این گونه جواب داد:

«وَصَّحَّ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَدُهُ عَلَى صَدْرِهِ فَقَالَ أَنَا الْمُنْذِرُ وَأَوْمَأَ إِلَى مَنْكِبِ عَلِيٍّ علیه السلام وَ

قَالَ أَنْتَ الْهَادِي يَا عَلِيُّ علیه السلام بِكَ يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ بَعْدِي.» (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۹: ۱۴)

پیامبر صلی الله علیه و آله دستش را بر سینه خود گذاشت و فرمود: منم منذر! سپس به شانه علی علیه السلام اشاره کرد و فرمود تویی هادی! و بوسیله تو بعد از من هدایت یافتگان هدایت می‌شوند.»

علاوه بر آن «پُررونق» شدن همه ساله عزاداری حضرت امام حسین علیه السلام و «برجسته» شدن آن، بویژه اربعین و اجتماع «عظیم» و «میلیونی» سیل عاشقان ولایت برای پیاده روی، بعد از هزار و چهارصد سال و اندی، دیگر هیچ گونه «شبهه» و «تردیدی» را برای کسی باقی نمیگذارد.

لذا همه انسانهای عالم به سؤال و تکاپو می‌افتند که:

۱) در این اجتماع عظیم و محشرگونه چه خبر است؟

۲) چرا مردم مشتاقانه رنج و سختی زیارت امام حسین علیه السلام در روز اربعین را تحمل

میکنند؟

۳) چرا شیعیان عراق و کشورهای دیگر (مثل مردم ایران) برای امامشان در روز اربعین این گونه میهمانی به راه انداخته، و از زائران با خرجهای میلیاردی پذیرایی میکنند؟
۴) چرا همه ساله، به تعداد زائران غیر شیعه اعم از سنی، مسیحی، یهودی، و غیره اضافه می شود؟

۵) چرا و چرا و چرا... و این حسین که کیست که عالم هم شیدای اوست؟
مردم جواب سؤالات خویش را گرفته و از پرچمهای عزاداری میفهمند که علم و نشانه، حسین علیه السلام است و راه ولایت، مسیر واقعی هدایت است. به این جهت است که امام صادق علیه السلام در زیارت اربعین، هدف از زیارت و عزاداری را این گونه بیان میکند:

«وَبَدَلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ لَيْسَتْ تَقْدَ عِبَادَكَ مِنَ الْجُهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ.» (کفعمی، ۱۴۰۵:

۴۸۹)

و حسین علیه السلام خون خود را در راه توداد تا بندگان تو را از جهالت نجات بخشد و از سرگردانی ضلالت و گمراهی برهاند.

آری! مجلس عزای امام حسین علیه السلام، مجلس «بیدار» شدن، راه رسیدن به «حق»، و درک مقام «امامت»، و نجات از «حیرت» و «سرگردانی» است.

ناگفته نماند که «یاد» و «عزاداری» دیگرانمه علیه السلام نیز همین حکم را دارد. بر همین مبناست که حضرت علی علیه السلام فرمود:

«ذُكِرْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ شَفَاءً مِنَ الْوَعَكِ وَالْأَسْقَامِ وَ سَوَاسِ الرَّيْبِ وَ حُبْنَا رَضَى الرَّبِّ

تَبَارَكَ وَ تَعَالَى.» (برقی، ۱۳۷۱: ۱: ۶۲)

یاد کردن ما اهل بیت علیهم السلام، موجب شفای تب و دیگر بیماریهاست و از شک و تردید جلوگیری میکند، و دوستی ما سبب خشنودی خدای تبارک و تعالی است.

۸) زنده نگه داشتن امر الهی

مسئله امامت یکی از مسائل مهم دینی است که باید زنده نگه داشته شود. چراکه



امامت از اصول دین (مشکینی، ۱۳۹۲: ۲: ۲۷۲) و مبنای ایمان و قبولی (مجلسی، ۱۳۷۸: ۱: ۲۳۰) اعمال هر فردی در روز آخرت است.

امام صادق علیه السلام به یکی از یارانش به نام فضیل فرمود:

«تَجْلِسُونَ وَ تُحَدِّثُونَ؟» قَالَ: نَعَمْ، جُعِلْتُ فِدَاكَ. قَالَ: «إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أَحِبُّهَا، فَأَخْبُوا أَمْرَنَا يَا فَضِيلُ، فَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا.» (حمیری، ۱۴۱۳: ۳۶)

آیا کنارهم نشستیم و در باب احادیث دینی گفتگو میکنید؟ فضیل میگوید: گفتم، آری! به فدایت شوم. حضرت فرمودند: همانا مجالسی را دوست دارم که در آنجا امر ما، گفته شود، ای فضیل! امر ما را زنده نگه دارید. سپس فرمود: خداوند رحمت کند کسی را که امر ما را زنده نگه میدارد.

هم چنین در حدیث دیگری فضیل این گونه نقل میکند که امام صادق علیه السلام فرمودند:

«تَجْلِسُونَ وَ تُحَدِّثُونَ قَالَ فُلْتُ نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ قَالَ تِلْكَ الْمَجَالِسُ أَحِبُّهَا فَأَخْبُوا أَمْرَنَا يَا فَضِيلُ فَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا يَا فَضِيلُ مَنْ ذَكَرْنَا أَوْ ذُكِرْنَا عِنْدَهُ فَخَرَجَ مِنْ عَيْنِهِ مِثْلَ جَنَاحِ الدُّبَابِ عَفَرَ اللَّهُ ذُنُوبَهُ وَ لَوْ كَانَتْ أَكْثَرَ مِنْ زَبَدِ الْبَحْرِ.» (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ۳: ۶۲۶)

فضیل گوید: امام صادق علیه السلام از من پرسید: آیا (دور هم) مینشینید و حدیث و سخن میگویید؟ گفتم: آری! فرمودند: این گونه مجالس را دوست دارم، پس امر (امامت) ما را زنده بدارید. خدای رحمت کند کسی را که امر ما را احیا کند. ای فضیل! هر کس از ما یاد کند، یا نزد او از ما یاد کنند و به اندازه بال مگسی اشک بریزد، خدا گناهانش را میآمرزد؛ اگر چه بیش از کف دریا باشد.

و در حدیث دیگری اهمیت جمع شدن و بیان امر امامت، این گونه بیان شده است:

«سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ وَ أَنَا حَاضِرٌ اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا إِخْوَانًا بَرَرَةً مُتَحَاتِبِينَ فِي اللَّهِ مُتَوَاصِلِينَ مُتَرَاجِمِينَ تَزَاوَرُوا وَ تَلَاقُوا وَ تَذَاكُرُوا أَمْرَنَا وَ أَحْيُوهُ.» (ابن بابویه، ۱۴۰۲: ۳۴)

شعيب عرقوفی گوید در جلسه ای من خودم حاضر بودم و شنیدم که امام صادق علیه السلام به یاران خویش میفرمودند: از خدای بترسید، و نسبت به برادران نیکوکار و دوستان در راه خدا، و دلجوی و مهربان باشید، به دیدن یکدیگر بروید و

همدگر را ببینید، و امر ما را بپا دارید و احیا کنید.

جلسات روضه در خانه، حسینیه، مسجد، و خیابان و غیره... همه مصداق بارز ننگ داشتن امر ولایت الهی است و بهترین گزینه برای نشر معارف دینی و احیای امر امامت همین مجالس روضه امام حسین علیه السلام است.

نتیجه

«دانستن» چیستی یک چیز، ثبات ایمان و یقین به وجود می‌آورد و دل و جان انسان را نسبت به موضوع مورد نظر، پرانگیزه میکند عزاداری سرور و سالار شهیدان حضرت امام حسین علیه السلام و گریه بر مظلومیت‌های آن حضرت، از جمله مسائلی هست که ذهن انسان‌های «پرسشگر» را به خود مشغول داشته و دارد.

«چیستی» گریه بر آن حضرت در مقاله حاضر مورد بررسی قرار داده شد و به این نتیجه رسیدیم که گریه بر آن حضرت، یک فرهنگ و در اصل «فرهنگساز» هست. و دل انسان‌های آزاده و مؤمن را آماده میکند تا با الهام گرفتن از عاشورا، دلشان پذیرای معرفت حسینی بگردد و برای مبارزه با استعمار، استثمار، ظالمین، کج اندیشان و منحرفین قیام کند. و این یعنی تربیت انسانها برای جهاد اصغر، جهاد اکبر و جهاد اعظم.

آری! گریه بر آن حضرت، درد دل ایجاد صفت «رحمانی» کرده، و جان را پذیرای دوست داشتن اولیای الهی «تولی» و بی‌زاری جستن از دشمنان نشان «تبری» میکند. چنین قلبی با تعظیم بر شعائر الهی، و زنده نگه داشتن امر الهی، و با الگو گرفتن از امامش در جهت زنده نگه داشتن نهضت و پیام‌های قیام آن حضرت به پا می‌خیزد.

و این چنین از گمراهی و ضلالت، نجات و به آستان مقدس نور الهی، هدایت و به رضوان الهی رهنمون میشود.



منابع

- ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶ ش)، کامل الزیارات، امینی، عبد الحسین، نجف اشرف، دارالمرتضویة.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، میردامادی، سوم، بیروت، دار الفکر.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۹ ق)، إقبال الأعمال، دوم، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
- ابن ادريس، محمد بن احمد (۱۴۱۰ ق)، ت السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (و المستطرفات)، الموسوی، حسن بن احمد وابن مسیح، ابوالحسن، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۲ ق)، مصادقة الإخوان، الخراسانی کاظمی، سید علی، اول، کاظمین، مکتبة الإمام صاحب الزمان العامة.
- بستانی، محمود (۱۳۹۲ ش)، اسلام و روان شناسی، هوشم، محمود، پنجم، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ ق)، المحاسن، محدث، جلال الدین، قم، دار الکتب الإسلامیة.
- پیشوایی، مهدی (۱۳۹۵)، تاریخ قیام و مقتل جامع سید الشهداء علیه السلام، گروهی از تاریخ پژوهان، دهم، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- پژوهشکده باقرالعلوم (۱۳۹۷ ش)، آداب و احکام عزاداری، مداحی، زیارت، قم، طه.
- حمیری، عبد الله بن جعفر (۱۴۱۳ ق)، قرب الإسناد، اول، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل موضوع، سوم، بیروت، دارالکتب العربی.
- سعادت پرور، علی (۱۳۸۸ ش)، فروغ شهادت، سوم، تهران، إحياء کتاب.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ ق)، مصباح المتعبد وسلاح المتعبد، اول، بیروت؛

- مؤسسه فقه الشیعة.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، کتاب العین، مخزومی، مهدی و سامرائی، ابراهیم، قم، هجرت.
- کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی (۱۴۰۵ق)، المصباح للكفعمی (جنة الأمان الواقیة)، قم، دارالرضی (زاهدی).
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۲۹ق)، اصول کافی، اول، قم، دارالحديث.
- لیبیب بیضون (۱۴۲۷ق)، موسوعة كربلاء، اول، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، جمعی از محققین، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۳۷۸ش)، ایمان و کفر (کتاب الإيمان و الکفر بحار الأنوار جلد ۶۴)؛ عطاردی قوچانی، عزیز الله؛ اول، تهران، عطارد.
- محدثی، جواد (۱۴۱۷ق)، فرهنگ عاشورا، قم، نشر معروف.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، گروهی از تاریخ پژوهان، اول، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
- مشکینی اردبیلی، علی (۱۳۹۲ش)، المواعظ العددیة، موسوی قافله باشی، مرتضی، اول، قم، دارالحديث.
- هاشمی نژاد، سید عبد الکریم (۱۳۸۲ش)، درسی که حسین علیه السلام به انسانها آموخت، اول، مشهد، آستان قدس رضوی.